

رابطه سبک‌های فرزندپروری

و نگرش مذهبی والدین با بزهکاری نوجوانان شهر قم سال ۱۳۹۲

سعیده ملکوتی / کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان
 نادر منیرپور / استادیار گروه روان‌شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم
 مجید ضرغام حاجبی / استادیار گروه روان‌شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم
 دریافت: ۱۳۹۴/۰۸/۰۴ - پذیرش: ۱۳۹۵/۰۱/۱۹

چکیده

هدف این پژوهش، مطالعه رابطه سبک‌های فرزندپروری ادراک شده و نگرش مذهبی والدین، در پیش‌بینی بزهکاری نوجوانان شهر قم بوده است. نمونه پژوهش شامل ۳۹ نفر از نوجوانان بزهکار (۳۵ پسر و ۴ دختر)، و ۴۵ نفر از نوجوانان عادی، شامل (۳۹ نفر پسر غیربزهکار و ۶ دختر) از دانش‌آموزان دبیرستان‌های قم بود که از طریق هم‌تاسازی انتخاب شدند. ابزار پژوهش، پرسش‌نامه سبک‌های فرزندپروری یانگ و آزمون جهت‌گیری درونی و بیرونی آلپورت بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از همبستگی دو رشته‌ای و رگرسیون لجستیک استفاده شد. نتایج به دست آمده نشان داد که سبک‌های فرزندپروری ادراک شده، نقص / شرم، خویش‌داری / خودانضباطی ناکافی و تنبیه، از سوی پدر و همچنین، سبک فرزندپروری ادراک‌شده محرومیت عاطفی از سوی مادر، پیش‌بینی‌کننده بزهکاری در نوجوانان بودند. با این حال، تأثیر جهت‌گیری مذهبی درونی والدین، بر پیش‌بینی بزهکاری نوجوانان تفاوت معناداری مشاهده نشد. علاوه بر این، نتایج نشان دادند که نگرش مذهبی بیرونی والدین، بزهکاری نوجوانان را پیش‌بینی می‌کند. در نهایت، می‌توان گفت: سبک‌های فرزندپروری ادراک شده از سوی والدین و جهت‌گیری نگرش مذهبی والدین، در پیش‌بینی بزهکاری یا غیربزهکاری نوجوانان مؤثر هستند.

کلیدواژه‌ها: بزهکاری، سبک‌های فرزندپروری، نگرش‌های مذهبی والدین.

مقدمه

امروزه بزهکاری یکی از مهم‌ترین چالش‌های بهداشتی و روانی اجتماعی است که بسیاری از کشورهای جهان به نوعی با آن درگیر هستند و مشکلات بسیاری را بر آنان تحمیل کرده است. علی‌رغم تلاش‌های بسیاری که در دو دهه اخیر برای افزایش آگاهی عمومی نسبت به آسیب و خطر بزهکاری صورت گرفته است، همچنان با افزایش روز افزون این رفتارها روبه‌رو هستیم (صاحب‌دل و همکاران، ۱۳۹۳).

یکی از معضلات جوامع امروزی، که توجه بسیاری از محققان را به خود جلب نموده، موضوع نوجوانان و جوانان بزهکار است. بزهکاران نوجوان کسانی هستند که به اعمال خلاف قانون دست می‌زنند (برک، ۱۳۹۱، ص ۱۰۲). بزهکاران نیم‌رخ روان‌شناختی مشخصی ندارند، غالباً از ساختار عاطفی سالم و مطلوب محرومند، احساس نایمی، طردشدگی، گناه، ناکامی و حقارت داشته، برای خود ارزش قائل نیستند، بدون انگیزه برای تغییر به سوی زندگی مسئولیت‌پذیرانه و نداشتن احساس گرم و صمیمی نسبت به خود و دیگران و داشتن حس راحت‌طلبی و مسئولیت‌گریزی قابل تشخیص‌اند. همچنین تکانشی‌تر، خشمگین‌تر و ناپیروترند که موجب ناسازگاری در خانه، مدرسه و جامعه می‌گردند (گلسر (Glasser)، ۲۰۱۲، ص ۱۳۴).

بزهکاری نوجوانان، در زمره مسائل مهم اجتماعی جامعه ایران به‌شمار می‌رود؛ زیرا اولاً، بزهکاری در نوجوانی احتمال رفتار مجرمانه را در دوران بزرگسالی افزایش می‌دهد. ثانیاً، بر اساس داده‌های خودگزارشی از نوجوانان، سطح واقعی بزهکاری نوجوانان حتی از آمارهای مربوط به دستگیری‌های رسمی نیز بیشتر است (چرچ (Church) و همکاران، ۲۰۱۲).

نظریات مختلف بیانگر این است که در زمینه بزهکاری، یک رویکرد قطعی ارائه نشده است، اما نظریه‌های مختلف، عوامل گوناگونی را در بروز بزهکاری دخیل دانسته‌اند. از جمله نظریه روان‌کاوی فروید (۱۹۶۴-۱۹۳۳) که شکل‌گیری شخصیت انسان را در دوران کودکی تا شش سالگی جست‌وجو می‌کند و معتقد است شخصیتی متعادل است که در چارچوب اخلاق و وجدان با توجه به واقعیت محیطی، انگیزه‌های نهاد را ارضا کند (جولازاده اسمعیلی و داودنیا، ۱۳۹۳). نظریه دیگری چون نظریه دلبستگی جان بالبی (۱۹۴۴-۱۹۴۶) بر عوامل خانوادگی و رابطه گرم، نزدیک و پیوسته مادر را برای سلامتی روانی کودک ضروری می‌داند و محرومیت مادرانه زودرس را با رفتار مجرمانه مرتبط دانسته، به ضعف نظارت والدین در این زمینه اشاره داشته‌اند (ارژنگ، ۱۳۹۱، ص ۳۲).

نظریه رشدی شناختی پیاژه (۱۹۸۰-۱۸۹۶) نیز بر این نکته تأکید دارد که کودک در سیر تحول رشدی خود، با قطع سازش روبه‌رو می‌شود؛ هر بار در حد معینی فرد آدمی در شرایطی قرار می‌گیرد که ممکن است از هنجار دور شود و اگر عوامل محیطی نقش خود را در حد سالم ایفا نکنند، تحول وی جنبه بهنجار و سازش‌یافته نخواهند داشت (منصور، ۱۳۹۵، ص ۱۸).

نظریه کنترل اجتماعی *ترویس هیرشی* (Travis Hirshi) (۱۹۶۹)، بر این باور است که کج رفتاری زمانی واقع می‌شود که پیوند میان فرد و جامعه ضعیف و یا گسسته شود. چهار عنصر اصلی تعهد، وابستگی به قید و بند خانوادگی، درگیر بودن به فعالیت و باور بر قراردادهای اجتماعی موجب پیوند میان فرد و جامعه می‌شوند (ناییب و لطفی خاچکی، ۱۳۹۴).

با توجه به نظریات فوق توسط اندیشمندان و پیشینه مطالعات انجام شده در زمینه بزهکاری که در ادامه بیان خواهد شد، از نظر رشد شخصیت و منش، مهم‌ترین عوامل بزهکاری را باید در روابط بین والدین و فرزندان جست‌وجو کرد. کمترین اختلال در سبک‌های فرزندپروری که به شیوه‌های خاص در تربیت فردی و اجتماعی فرزندان توسط والدین اطلاق می‌شود (رنجبر و ایری، ۱۳۹۰)، موجب بروز ناپهنجاری‌های رفتاری در بزرگسالی می‌گردد. بسیاری اوقات، روابط عاطفی در خانواده می‌تواند به‌عنوان عامل پیشگیری از بروز رفتارهای خطرآفرین تلقی شود. افزایش حضور والدین در منزل و تقویت ارتباط عاطفی بین اعضای خانواده، نه تنها امنیت روانی فرزندان را تأمین می‌کند، بلکه می‌تواند به‌عنوان یک نیروی مهم در پیشگیری از بزهکاری و پیامدهای آن تلقی شود (خانجانی و همکاران، ۱۳۹۱).

بامریند (Baumrind)، در مطالعه خود سه ویژگی مهم را مطرح می‌کند که روش مؤثر را از روش‌های نه‌چندان مؤثر متمایز می‌سازد. این سه ویژگی عبارتند از: ۱. پذیرش و روابط نزدیک؛ ۲. کنترل؛ ۳. استقلال دادن. از تعامل این سه ویژگی، سه سبک فرزندپروری مشخص می‌شود: مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه. سبک مقتدرانه، با پذیرش در روابط نزدیک، روش کنترل سازگارانه و استقلال دادن مناسب مشخص می‌شود. سبک مستبدانه از نظر پذیرش در روابط نزدیک پایین، از نظر کنترل اجباری بالا و از نظر نباشند (پرچم، ۱۳۹۱).

بر طبق آموزه‌های دینی، امام علیؑ دربارهٔ زیاده‌روی در سرزنش کودک و نوجوان می‌فرماید:

إِذَا عَاتَبْتَ الْوَلَدَ فَانْزِكْ لَهُ مَوْضِعًا مِنْ ذَنْبِهِ يَحْمِلُهُ الْاِخْرَاجَ عَلَيَّ أَكَابِرَهُ؛ هنگامی که کودک و نوجوانی را به سبب رفتار ناپهنجارش نکوهش می‌کنی؛ مراقب باش که بخشی از آن را نادیده انگاری و از تمام جهت مورد اعتراض و توبیخش قرار ندهی تا او احساس نکند طرد شده است؛ زیرا این احساس موجب می‌شود در رفتارش لجاجت و سماجت به خرج دهد (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۳۳۳).

در مورد سبک سهل‌گیر امام باقرؑ می‌فرماید: «شَرُّ الْاَبَاءِ مَنْ دَعَاهُ اِلَيْهِ اِلَّا فِرَاطًا»؛ بدترین پدران کسانی هستند، که در نیکی به فرزندان خود افراط می‌کنند و آنان را بیش از حد مصلحت‌مورد مهر و محبت خود قرار می‌دهند (فلسفی، ۱۳۵۲، ص ۱۴۱).

یانگ (Young) (۱۹۹۴) نیز در مطالعات خویش سبک‌های فرزندپروری (۱۷ سبک) را به پنج حوزه تقسیم می‌کند که عبارتند از:

الف. بریدگی و طرد

خانواده‌هایی که از نظر عاطفی سرد، مضایقه‌گر، منزوی، تندخو و غیرقابل پیش‌بینی یا بد رفتارند، در حوزه بریدگی و طرد قرار دارند، نیازهای فرد برای امنیت، ثبات، محبت، همدلی، پذیرش و احترام به شیوه‌های قابل پیش‌بینی ارضاء نمی‌شوند. انواع سبک‌های فرزندپروری که در این حوزه قرار می‌گیرند عبارت است از: ۱. رها شدگی / بی‌ثباتی؛ ۲. بی‌اعتمادی / بد رفتاری؛ ۳. محرومیت هیجانی؛ ۴. نقص / شرم.

ب. خودگردانی و عملکرد مختل

والدین چنین افرادی، برای آنان هر کاری انجام داده‌اند و به شدت از آنها حمایت می‌کنند. گاهی بعکس، به ندرت از آنان مراقبت یا نگهداری می‌کنند. افراط و تفریط در حمایت از کودک، منجر به بروز مشکلاتی در حوزه خودگردانی می‌شود. انواع سبک‌های این حوزه عبارتند از: ۱. وابستگی / بی‌کفایتی؛ ۲. آسیب‌پذیری نسبت به ضرر یا بیماری؛ ۳. خود تحول نیافته / گرفتار؛ ۴. شکست.

ج. محدودیت‌های مختل

نقص در محدودیت‌های درونی که منجر به بروز مشکلاتی در رابطه با رعایت حقوق دیگران، همکاری با دیگران، تعهد یا هدف‌گزینی و رسیدن به اهداف واقع‌بینانه می‌شود، در خانواده‌هایی به وجود می‌آید که به جای انضباط، مواجهه مناسب، محدودیت‌های منطقی، مسئولیت‌پذیری، همکاری متقابل و هدف‌گزینی، وجه مشخصه آنها سهل‌انگاری افراطی، سردرگمی یا حس برتری است. در دوران کودکی نیازی نداشته‌اند، از قوانین پیروی کنند که دیگران از آن قوانین تبعیت می‌کردند. کودکانی که در چنین خانواده‌هایی بزرگ می‌شوند، نمی‌توانند ارضای نیازهای آنی خود را به دلیل دستیابی به منافع آتی به تأخیر بیندازند. انواع سبک‌هایی که در این حوزه قرار می‌گیرند عبارتند از: ۱. استحقاق / بزرگ‌منشی؛ ۲. خویش‌داری و خود-انضباط ناکافی.

د. دیگر جهت‌مندی

تمرکز افراطی بر تمایلات، احساسات و پاسخ‌های دیگران، به گونه‌ای که نیازهای خود فرد نادیده گرفته می‌شود. این کار با هدف دریافت عشق و پذیرش، تداوم ارتباط با دیگران یا اجتناب از انتقام و تلافی صورت می‌گیرد. انواع سبک‌های این حوزه عبارتند از: ۱. اطاعت؛ ۲. ایثار؛ ۳. پذیرش جویی و جلب توجه.

ه. کوش به زنگی بیش از حد و بازداری

تأکید افراطی بر واپس‌زنی احساسات، تکانه‌ها و انتخاب‌های خود انگیزخته فرد، یا برآورده ساختن قواعد و انتظارات انعطاف‌ناپذیر و درونی شده درباره عملکرد و رفتار اخلاقی، اغلب منجر به از بین رفتن خوشحالی، ابراز عقیده، آرامش خاطر، روابط نزدیک و سلامتی می‌شود.

انواع سبک‌های فرزندپروری موجود در این حوزه عبارتند از: ۱. منفی‌گرایی / بدبینی؛ ۲. بازدارنده هیجانی؛ ۳. معیارهای سرسختانه/ عیب‌جویی افراطی (یانگ و همکاران، ۲۰۰۵، ص ۳۸-۴۱).

پیشینه مطالعات از جمله تحقیقات، رضایی و همکاران (۲۰۱۶)، گوئرئرو (Guereero) و همکاران (۲۰۱۶)، نیکولا و (Nikolav) و همکاران (۲۰۱۶)، ارتیز (Ortiz) و همکاران (۲۰۱۶)، مدلو (Medlow) و همکاران (۲۰۱۶)، یانگ و تمیر (Netmeyer) (۲۰۱۵)، دشپان (Deshpande) و چابریا (Chhabriya) (۲۰۱۳) کوریگو (curico) و همکاران (۲۰۱۵)، هینکل (Hinkel) (۲۰۱۰)، نریمانی و همکاران (۱۳۹۳)، پژوهش عباسی/اسفیجر و رحمانی (۱۳۹۴)، یاسمی‌نژاد و علیرضا شکرپیگی (۱۳۹۱) و خانجانی و همکاران (۱۳۹۱) بر تأثیر سبک‌های فرزندپروری ادراک شده از سوی والدین بر بروز بزهکاری در نوجوانان تأکید دارند.

مذهب به‌عنوان یک محافظ در برابر فشارهای روانی عمل می‌کند و رابطه بین مذهب و سلامت روان، بر ابعاد گوناگون عملکرد فرد تأثیر می‌گذارد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که گرایش‌ها و باورهای مذهبی، فرایند رضایت از زندگی را تسهیل و تسریع می‌کند (نریمانی و همکاران، ۱۳۹۳). مذهب و برخورداری از نگرش مذهبی در اعضای خانواده موجب تأثیر مستقیم بر نگرش به بزهکاری در نوجوانان می‌شود. به عبارت دیگر، زمانی که همه اعضای خانواده به طور مثال، پدر و مادر به همراه فرزند، از نگرش مذهبی برخوردار باشند، احتمال انجام رفتارهای بزهکارانه در فرزندان آنان، به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش پیدا می‌کند. درحالی‌که اگر فقط یکی از طرفین به طور مثال فقط والدین دارای نگرش مذهبی باشند، احتمال ارتکاب رفتارهای بزهکارانه در فرزندان افزایش پیدا می‌کند (حسینی دولت‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۲).

با توجه به اینکه کودکان، مفاهیم اخلاقی و صحیح و غلط را بر اساس اعتقادات و ارزش‌های والدین خود در طفولیت از آنان می‌آموزند (کریمی، ۱۳۸۹، ص ۱۷)، در این پژوهش تأثیر نگرش مذهبی والدین بر بزهکاری نوجوانان، مورد بررسی قرار گرفت. «نگرش مذهبی» به روی آورد کلی اتخاذ شده از مذهب توسط شخص اطلاق می‌شود (حیدری رفعت و عنایتی نوین‌فر، ۱۳۸۹)، که خود به تنهایی قادر است شخصیت فرد را سازمان‌دهی کند؛ چرا که با همه جنبه‌های زندگی انسان سر و کار دارد و ساخته عالم بالاست و چارچوبی برای نظام روان‌شناسی فرد فراهم می‌کند که او را به حالتی پایدار در عواطف و هیجانانش سوق دهد.

لازم به یادآوری است که نگرش مذهبی، می‌تواند درونی یا برونی باشد. نگرش مذهبی بیرونی، بیشتر ابزاری است برای ارضاء نیازهای فردی از قبیل مقام و امنیت. جهت‌گیری مذهبی درونی، مذهبی فراگیر و دارای اصول سازمان یافته است که غایت و هدف است. آلپورت (Allport) (۱۹۶۳)، فرانکل (Frankel) (۱۹۰۵-۱۹۹۷)، اریکسون (Erikson) (۱۹۹۴-۱۹۹۰)، جیمز (James) (۱۹۱۰-۱۸۴۲) و یونگ (۱۹۵۱-۱۸۷۵)، (وولف، ۱۳۸۶) از جمله اندیشمندانی هستند که بر تأثیر مثبت، دین واقعی بر زندگی انسان تأکید

دارند. نتایج مطالعات، دکوک و همکاران (۲۰۱۵)، هامجاج (Hamajah) و همکاران (۲۰۱۴)، میلر و همکاران (۲۰۱۳)، ادريس (Idvis) و همکاران (۲۰۱۲)، توریاننا (Turiano) و همکاران (۲۰۱۲)، میشل (Michael) (۲۰۰۹)، آبار (Abar) (۲۰۰۹)، قره‌گوزلو و همکاران (۱۳۹۴)، اسماعیلی و بهزاد (۱۳۹۴)، آرمان‌مهر و همکاران (۱۳۹۳)، اسدنژاد (۱۳۹۳)، اصغری و همکاران (۱۳۹۲)، گراوند و همکاران (۱۳۹۱)، رستمی (۱۳۹۰)، دیوند و پارسامهر (۱۳۹۰)، شریفی (۱۳۹۰)، صابر و لنگرودی (۱۳۹۰) تأییدکننده نظریات فوق هستند، اما به طور اختصاصی‌تر، پژوهش‌های آرمان‌مهر و همکاران (۱۳۹۳)، اصغری و همکاران (۱۳۹۲) و گراوند و همکاران (۱۳۹۱) در ایران و ادريس و همکاران (۲۰۱۲) در مالزی، نشان می‌دهند که نگرش مذهبی درونی در پیشگیری از بروز بزهکاری حائز اهمیت می‌باشد.

همچنین، پژوهش‌های هامجاج و همکاران (۲۰۱۴)، میلر و همکاران (۲۰۱۳)، قره‌گوزلو و همکاران (۱۳۹۴)، اسدنژاد (۱۳۹۳)، رستمی (۱۳۹۰)، دیوند و پارسامهر (۱۳۹۰)، شریفی (۱۳۹۰)، صابر و لنگرودی (۱۳۹۰) نشان می‌دهند که انتقال ارزش‌ها، به شدت تحت تأثیر خانواده و اعتقادات مذهبی آنها و توافق بین اعضاء خانواده می‌باشد. این امر می‌تواند بر پیشگیری از اعمال مجرمانه تأثیر گذارد.

به نظر می‌رسد این پژوهش، با تبیین تأثیر عوامل خانوادگی بر بزهکاری نوجوانان، با توجه بر سبک‌های فرزندپروری و نگرش مذهبی والدین، می‌تواند مسیر روشنی را جهت ارتباط صحیح والد-فرزندی ارائه دهد. تا والدین با آسیب‌شناسی روابط خود و اصلاح روابط نامناسب و به کارگیری روابط مناسب، از سوق دادن فرزندان خود به سوی بزهکاری پیشگیری نمایند. همچنین، این پژوهش می‌تواند گامی هر چند کوتاه در زمینه علم روان‌شناسی کودک و نوجوان و علم جامعه‌شناسی انحرافات و حتی در درمان بزهکاران، با توجه به ریشه‌های ایجاد کننده طرح‌واره‌هایی که منجر به رفتارهای نابهنجار می‌شود و ناشی از روابط نامناسب والدین می‌باشد، از طریق طرح‌واره درمانی بردارد.

با توجه به اهمیت موضوع، متأسفانه تاکنون پژوهشی که به‌طور تلفیقی رابطه سبک‌های فرزندپروری ادراک شده از سوی والدین و نگرش مذهبی والدین را با بروز بزهکاری نوجوانان مورد پژوهش قرار دهد، صورت نگرفته است. این پژوهش، با استفاده از جدیدترین نظریه شناختی-پویشی، یعنی نظریه طرح‌واره یانگ و نظریه نگرش مذهبی آلپورت، به بررسی نقش سبک‌های فرزندپروری ادراک شده از سوی پدر و مادر، به صورت مجزا و نگرش مذهبی پدر و مادر (مجزا)، در پیش‌بینی بزهکاری نوجوانان می‌پردازد. این پژوهش، درصدد آزمودن فرضیه‌ها و مفروضات زیر می‌باشد:

۱. سبک‌های فرزندپروری ادراک شده، با بزهکاری نوجوانان همبستگی مثبت دارند.

۲. نگرش مذهبی درونی والدین، با بزهکاری نوجوانان همبستگی منفی دارند.

۳. نگرش مذهبی بیرونی والدین، با بزهکاری نوجوانان همبستگی مثبت دارند.

فرضیه‌های پژوهش عبارتند از:

۱. سبک‌های فرزندپروری ادراک شده از سوی پدر، بزهکاری نوجوانان را پیش‌بینی می‌کند.
۲. سبک‌های فرزندپروری ادراک شده از سوی مادر، بزهکاری نوجوانان را پیش‌بینی می‌کند.
۳. نگرش‌های مذهبی مادر، بزهکاری نوجوانان را پیش‌بینی می‌کند.
۴. نگرش‌های مذهبی پدر، بزهکاری نوجوانان را پیش‌بینی می‌کند.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع تحقیقات همبستگی است. جامعه آماری پژوهش، تمامی نوجوانان ۱۸-۱۱ ساله تحت مراقبت در کانون اصلاح تربیت شهر قم و والدین آنها در سال ۱۳۹۲ بودند. نمونه مورد بررسی در این پژوهش، ۳۵ نفر از نوجوانان پسر بزهکار و ۴ نوجوان دختر بزهکار، ۱۱ تا ۱۸ ساله، که در کانون اصلاح و تربیت شهر قم نگهداری می‌شدند و والدین آنها که جهت ملاقات در کانون حضور داشتند، به روش نمونه‌گیری در دسترس با توجه به معیارهای ورود به پژوهش انتخاب شدند. همچنین، ۳۹ نفر از نوجوانان پسر غیربزهکار و ۶ نوجوان دختر غیربزهکار شاغل به تحصیل در مدارس شهر قم، به‌عنوان گروه مقایسه با توجه به جنسیت سن و طبقه اجتماعی اقتصادی هم‌تاسازی شدند.

ابزار پژوهش

پرسش‌نامه سبک‌های فرزندپروری ادراک شده یانگ: این پرسش‌نامه یک ابزار برای شناسایی ریشه‌های دوران کودکی طرح‌واره‌ها می‌باشد، ۷۲ آیتم دارد که در آن پاسخ‌دهنده، پدر و مادر خود را به طور جداگانه بر اساس نوع رفتاری که با وی داشته‌اند، در یک مقیاس شش درجه‌ای رتبه‌بندی می‌کند.

فرم اصلی این پرسش‌نامه را *یزدان‌دوست و صلواتی* (۱۳۸۹) ترجمه کرده، سپس روی ۶۰ دانشجوی ایرانی اجرا نمودند. با استفاده از روش دونیمه‌سازی برای فرم مادر، ضریب پایایی ۰/۶۹ و برای فرم پدر، ضریب پایایی ۰/۸ به‌دست‌آمده است.

پرسش‌نامه مقیاس جهت‌گیری درونی و بیرونی آلپورت: *آلپورت و راس* (۱۹۵۰)، این مقیاس را برای سنجش جهت‌گیری‌های درونی و بیرونی مذهب تهیه کردند؛ یک مقیاس ۲۰ گزینه‌ای که ۱۱ گزینه آن، به جهت‌گیری بیرونی و ۹ گزینه آن، به جهت‌گیری درونی اشاره دارد. *جان‌بزرگی* در سال ۱۳۷۸، این پرسش‌نامه را در ایران ترجمه، بر روی ۴۵ دانشجو از دانشگاه‌های تهران اجرا و اعتبار آن را با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۳۷ گزارش نموده است (جان‌بزرگی و عباسی، ۱۳۸۹، ص ۹).

یافته‌های پژوهش

از مجموع ۸۸ آزمودنی که در هر یک از دو گروه، در این تحقیق مشارکت داشته‌اند، ۱۰/۲۵ درصد گروه بزهکار و ۱۲/۲۴ درصد گروه غیربزهکار، زن هستند. همچنین، ۸۹/۷۴ درصد گروه بزهکار ۸۷/۷۵ درصد گروه غیربزهکار، مرد می‌باشند. میانگین سنی افراد شرکت‌کننده در این پژوهش، در گروه بزهکار ۱۶/۶۴ و در گروه غیربزهکار ۱۰/۶۹ می‌باشد.

از مجموع ۸۸ آزمودنی که در هر یک از دو گروه در این تحقیق مشارکت داشتند، ۹۳/۸۷ درصد گروه غیربزهکار و ۷۹/۴۸ درصد گروه بزهکار، وضعیت خانوادگی خود را عادی توصیف کردند و ۴/۰۸ درصد گروه غیربزهکار و ۱۲/۲۸ درصد گروه بزهکار، والدیشان طلاق گرفته و ۲/۰۴ درصد گروه بزهکار و ۷/۶۹ درصد گروه بزهکار، وضعیت خانوادگی خود را پرتنش توصیف کردند.

برای آزمون فرضیه اول پژوهش، از همبستگی دو رشته‌ای استفاده شد.

جدول ۱. ضرایب همبستگی دو رشته‌ای بین سبک‌های فرزندپروری ادراک شده از سوی پدر و بزهکاری نوجوانان بزهکاری نوجوانان

مادر		پدر		سبک فرزندپروری
نتیجه	ضریب همبستگی سطح معناداری	نتیجه	ضریب همبستگی سطح معناداری	
همبستگی مثبت و معنادار	۰/۰۱۰	غیر معنادار	۰/۲۱۳	محرومیت عاطفی
همبستگی مثبت و معنادار	۰/۰۰۱	همبستگی مثبت و معنادار	۰/۰۰۱	رهاکردن
همبستگی مثبت و معنادار	۰/۰۰۷	همبستگی مثبت و معنادار	۰/۰۰۱	بی‌اعتمادی / بد رفتاری
همبستگی مثبت و معنادار	۰/۰۰۲	همبستگی مثبت و معنادار	۰/۰۰۱	نقص و شرم
همبستگی مثبت و معنادار	۰/۰۰۳	همبستگی مثبت و معنادار	۰/۰۰۱	شکست
غیر معنادار	۰/۲۱۵	همبستگی مثبت و معنادار	۰/۰۰۳	وابستگی / بی‌کفایتی
غیر معنادار	۰/۱۱۳	غیر معنادار	۰/۲۴۷	آسیب‌پذیری در برابر ضرر و آسیب
همبستگی مثبت و معنادار	۰/۰۰۰۱	همبستگی مثبت و معنادار	۰/۰۰۰۱	خودتحول نایافته / گرفتار
همبستگی مثبت و معنادار	۰/۰۰۱	همبستگی مثبت و معنادار	۰/۰۰۰۱	اطاعت
همبستگی مثبت و معنادار	۰/۰۰۱	همبستگی مثبت و معنادار	۰/۰۰۱	ایثار
غیر معنادار	۰/۱۰۲	همبستگی مثبت و معنادار	۰/۰۴۷	بازداری هیجانی
غیر معنادار	۰/۱۶۷	غیر معنادار	۰/۰۴۷	معیارهای سرسختانه
همبستگی مثبت و معنادار	۰/۰۰۳	همبستگی مثبت و معنادار	۰/۰۰۱	استحقاق
همبستگی مثبت و معنادار	۰/۰۰۰۱	همبستگی مثبت و معنادار	۰/۰۰۲	خویش‌نرداری
غیر معنادار	۰/۱۰۷	همبستگی مثبت و معنادار	۰/۰۲۹	پذیرش جویی / جلب توجه
همبستگی مثبت و معنادار	۰/۰۰۰۱	همبستگی مثبت و معنادار	۰/۰۰۰۱	منفی‌گرایی / بدبینی
همبستگی مثبت و معنادار	۰/۰۱۰	همبستگی مثبت و معنادار	۰/۰۰۰۱	تنبیه

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که همبستگی بزهکاری نوجوانان با سبک‌های فرزندپروری ادراک شده محرومیت عاطفی، آسیب‌پذیری در برابر ضرر و آسیب و معیارهای سرسختانه معنادار نیست. اما بین بزهکاری نوجوانان و سبک‌های فرزندپروری ادراک شده رهاکردن، بی‌اعتمادی/ بدرفتاری، نقص/ شرم، شکست، وابستگی/ بی‌کفایتی، خودتحوّل نایافته/ گرفتار، اطاعت، ایثار، بازداری هیجانی، استحقاق/ بزرگ- منشی، خویشنداری/ خودانضباطی ناکافی، پذیرش جویی/ جلب توجه، منفی‌گرایی/ بدبینی و تنبیه، از سوی پدر رابطه مستقیم وجود دارد.

نتایج همبستگی بزهکاری نوجوانان، با سبک‌های فرزندپروری ادراک شده وابستگی/ بی‌کفایتی، آسیب‌پذیری در برابر ضرر و آسیب، بازداری هیجانی، معیارهای سرسختانه و پذیرش- جویی/ جلب توجه معنادار نیست. سایر سبک‌های فرزندپروری ادراک شده از سوی مادر، با بزهکاری نوجوانان همبستگی مثبت دارند. به این ترتیب، تأیید می‌شود که بین بزهکاری نوجوانان و سبک‌های فرزندپروری ادراک شده محرومیت عاطفی، رهاکردن، بی‌اعتمادی/ بدرفتاری، نقص/ شرم، شکست، خودتحوّل نایافته/ گرفتار، اطاعت، ایثار، استحقاق/ بزرگ‌منشی، خویشنداری/ خودانضباطی ناکافی، منفی‌گرایی/ بدبینی و تنبیه از سوی مادر، رابطه مستقیم وجود دارد.

برای آزمون فرضیه دوم و سوم پژوهش، از همبستگی دو رشته‌ای استفاده شد.

جدول ۲. همبستگی دو رشته‌ای بین نگرش مذهبی درونی والدین با بزهکاری نوجوانان

متغیرها	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
نگرش مذهبی درونی پدر	۵۹	-۰/۰۴۳	۰/۷۰۱
نگرش مذهبی درونی مادر	۷۹	۰/۰۰۲	۰/۹۸۰
نگرش مذهبی بیرونی پدر	۵۹	۰/۴۰۲	۰/۰۰۱
نگرش مذهبی بیرونی مادر	۷۹	۰/۳۸۹	۰/۰۰۱

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که بین نگرش‌های مذهبی درونی والدین، با بزهکاری نوجوانان رابطه معناداری وجود ندارد و به این ترتیب فرضیه دوم پژوهش تأیید نمی‌گردد.

برای آزمون فرضیه سوم پژوهش، از همبستگی دو رشته‌ای استفاده شد. نتایج آن همچنین نشان می‌دهد که بین نگرش‌های مذهبی بیرونی والدین با بزهکاری نوجوانان، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به این ترتیب فرضیه سوم پژوهش تأیید می‌شود.

برای آزمون سایر مفروض‌های پژوهش، از روش رگرسیون لجستیک استفاده شد. گروه‌بندی وضعیت بزهکاری (گروه غیربزهکار با کد ۱ و گروه بزهکار با کد صفر)، به‌عنوان متغیر ملاک و سبک‌های فرزندپروری ادراک شده از سوی والدین و نگرش مذهبی والدین، به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین در مفروض‌های مختلف پژوهش، وارد رگرسیون لجستیک شدند که نتایج نشان داد:

با توجه به اینکه سبک‌های فرزندپروری محرومیت عاطفی، آسیب‌پذیری، در مقابل آسیب و معیارهای سرسختانه، همبستگی معناداری با بروز رفتارهای بزهکارانه در نوجوانان نداشتند، در بررسی مفروض اول وارد مدل نشد، و سبک‌های فرزندپروری ادراک شده رهاکردن، بی‌اعتمادی/ بدرفتاری، نقص/ شرم، شکست، وابستگی/ بی‌کفایتی، خودتحول نایافته/ گرفتار، اطاعت، ایثار، بازداری هیجانی، استحقاق/ بزرگ‌منشی، خویش‌داری/ خودانضباطی ناکافی، پذیرش جویی/ جلب توجه، منفی‌گرایی/ بدبینی و تنبیه از سوی پدر، به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین وارد مدل شدند. در مجموع، ۸۸ نفر در تحلیل وارد شدند و آزمون/آمنیوس، نشان می‌دهد که مدل کامل به طور معناداری پایا است ($p < 0.001$, $X^2 = 996/36$, $df = 14$). همچنین، نتایج آزمون هاسمر و لموشو بیانگر مناسب بودن مدل می‌باشد ($p < 0.002$, $X^2 = 333/8$, $df = 8$).

این مدل، ۳۴/۳ تا ۴۶ درصد از تغییرات متغیر ملاک (بزهکار و غیربزهکار) را پیش‌بینی می‌کند، با صحت طبقه‌بندی کلی ۷۷/۳ درصد.

جدول ۳. نتایج آماره والد برای متغیرهای وارد شده در مدل

متغیرهای وارد شده در مدل	ضریب بتای غیراستاندارد	آماره والد	درجه آزادی	سطح معناداری	نسبت برتری
رهاکردن	۰/۰۹۱	۰/۲۴۴	۱	۰/۶۲۱	۱/۰۹۵
بی‌اعتمادی/ بدرفتاری	-۰/۳۱۸	۰/۷۰۷	۱	۰/۴۰۱	۰/۷۲۸
نقص و شرم	-۱/۰۱۱	۵/۵۴۵	۱	۰/۰۱۹	۰/۳۶۴
شکست	۰/۳۱۹	۰/۴۰۳	۱	۰/۵۲۵	۱/۳۷۵
وابستگی / بی‌کفایتی	۰/۲۹۳	۱/۳۵۱	۱	۰/۲۶۳	۱/۳۴۰
خودتحول نایافته / گرفتار	-۰/۵۵۵	۲/۵۲۲	۱	۰/۱۱۲	۰/۵۷۴
اطاعت	۰/۵۶۸	۲/۷۷۴	۱	۰/۰۹۶	۱/۷۶۶
ایثار	-۰/۳۸۵	۰/۸۹۵	۱	۰/۳۴۴	۰/۶۸۱
بازداری هیجانی	۰/۱۲۲	۰/۱۸۰	۱	۰/۶۷۱	۱/۱۲۹
استحقاق	۰/۶۳۹	۳/۳۵۹	۱	۰/۰۶۷	۱/۸۵۹
خویش‌داری	-۰/۶۸۸	۴/۴۰۸	۱	۰/۰۳۶	۰/۵۰۳
پذیرش جویی/ جلب توجه	۰/۳۶۶	۱/۱۹۷	۱	۰/۲۴۷	۱/۴۴۲
منفی‌گرایی/ بدبینی	-۰/۱۸۱	۰/۳۳۶	۱	۰/۵۶۲	۰/۸۳۵
تنبیه	-۰/۸۶۰	۶/۲۳۱	۱	۰/۰۱۳	۰/۴۲۳
ثابت	۳/۳۵۸	۷/۳۱۴	۱	۰/۰۰۷	۲۸/۷۲۲

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که ضرایب آماره والد، برای سبک‌های فرزندپروری ادراک شده نقص/ شرم، خویش‌داری و تنبیه از سوی پدر معنادار هستند. شانس داشتن طرح‌واره نقص شرم، در افراد بزهکار ۰/۳۶، طرح‌واره خویش‌داری ۰/۵۰۳ و طرح‌واره تنبیه ۰/۴۳۲ می‌باشد. با توجه به اینکه سبک‌های فرزندپروری ادراک شده وابستگی/ بی‌کفایتی، آسیب‌پذیری در برابر ضرر و آسیب، بازداری هیجانی، معیارهای سرسختانه

و پذیرش جویی / جلب توجه از سوی مادر، همبستگی معناداری با بروز رفتارهای بزهکارانه در نوجوانان نداشتند، در بررسی مفروض دوم وارد مدل نشد، و سبک‌های فرزندپروری ادراک شده محرومیت عاطفی، رهاکردن، بی‌اعتمادی / بدرفتاری، نقص / شرم، شکست، خودتحول نایافته / گرفتار، اطاعت، ایثار، استحقاق / بزرگ منشی، خویشنداری / خودانضباطی ناکافی، منفی‌گرایی / بدبینی و تنبیه از سوی مادر، به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین وارد مدل شدند. در مجموع، ۸۷ نفر در تحلیل وارد شدند و آزمون آمیبوس نشان می‌دهد که مدل کامل به طور معناداری پایا است ($X^2=37/773, df=12, p<0/001$). همچنین، نتایج آزمون هاسمر و لموشو نیز نشان‌دهنده مناسب بودن مدل می‌باشد ($X^2=8/451, df=8, p<0/391$).

این مدل، ۳۵/۲ تا ۴۷/۱ درصد از تغییرات متغیر ملاک (بزهکار و غیربزهکار) را پیش‌بینی می‌کند، با صحت طبقه‌بندی کلی ۷۸/۲ درصد.

جدول ۴. نتایج آماره والد برای متغیرهای وارد شده در مدل

متغیرهای وارد شده در مدل	ضریب بتای غیراستاندارد	آماره والد	درجه آزادی	سطح معناداری	نسبت برتری
محرومیت عاطفی	۰/۷۰۱	۵/۶۴۳	۱	۰/۰۱۸	۲/۰۱۵
رهاکردن	-۰/۶۰۲	۲/۰۶۵	۱	۰/۱۵۱	۰/۵۴۷
بی‌اعتمادی / بدرفتاری	-۰/۴۵۴	۰/۷۴۴	۱	۰/۳۸۸	۰/۶۳۵
نقص و شرم	-۰/۳۹۱	۱/۹۶۳	۱	۰/۱۶۱	۰/۶۷۶
شکست	۰/۱۸۹	۰/۱۰۵	۱	۰/۷۴۶	۱/۲۰۸
خودتحول نایافته / گرفتار	-۰/۳۱۴	۱/۱۳۶	۱	۰/۲۸۶	۰/۷۳۱
اطاعت	-۰/۲۵۹	۰/۸۷۵	۱	۰/۳۵۰	۰/۷۷۲
ایثار	-۰/۰۸۳	۰/۰۵۸	۱	۰/۸۰۹	۰/۹۲۰
استحقاق	۰/۲۴۰	۰/۵۸۳	۱	۰/۴۴۵	۱/۲۷۱
خویشنداری	-۰/۵۹۲	۳/۳۵۳	۱	۰/۰۶۷	۰/۵۵۳
منفی‌گرایی / بدبینی	-۰/۲۵۹	۰/۵۷۸	۱	۰/۴۴۷	۰/۷۷۲
تنبیه	۰/۳۳۷	۰/۸۳۳	۱	۰/۳۶۲	۱/۴۰۱
ثابت	۳/۵۰۲	۷/۰۷۴	۱	۰/۰۰۸	۳۳/۱۶۷

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که ضرایب آماره والد، برای سبک‌های فرزندپروری ادراک شده محرومیت عاطفی از سوی مادر، معنادار است. همچنین، جهت ضریب بتا مثبت است و شانس داشتن طرح‌واره محرومیت عاطفی در افراد بزهکار ۲/۰۱۵ است. با توجه به اینکه نگرش مذهبی درونی مادر، همبستگی معناداری با بزهکاری نوجوانان نداشت، در بررسی مفروض سوم وارد مدل نشد، و تنها نگرش مذهبی بیرونی مادر، به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین وارد مدل شد. در مجموع، ۷۹ نفر در تحلیل وارد شدند و آزمون آمیبوس نشان می‌دهد که مدل کامل به طور معناداری پایا است ($X^2=336/19, df=1, p<0/001$). همچنین، نتایج آزمون هاسمر و لموشو، نشان‌دهنده مناسب بودن مدل می‌باشد ($X^2=8/368, df=7, p<0/302$).

این مدل، ۲۱/۷ تا ۲۹/۳ درصد از تغییرات متغیر ملاک (بزهکار و غیربزهکار) را پیش‌بینی می‌کند، با صحت طبقه‌بندی کلی ۷۳/۴ درصد.

جدول ۵. نتایج آماره والد برای متغیرهای وارد شده در مدل

متغیرهای وارد شده در مدل	ضریب بتای غیراستاندارد	آماره والد	درجه آزادی	سطح معناداری	نسبت برتری
نگرش مذهبی بیرونی مادر	-۰/۱۴۲	۱۴/۴۸۹	۱	۰/۰۰۰	۰/۸۶۷
ثابت	۵/۱۷۱	۱۵/۵۰۴	۱	۰/۰۰۰۰	۱۷۶/۱۲۳۲

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که ضرایب آماره والد معنادار است. همچنین، جهت ضریب بتا منفی است و شانس نگرش مذهبی بیرونی مادر، در افراد بزهکار ۰/۸۶۷ است. با توجه به اینکه نگرش مذهبی درونی پدر، همبستگی معناداری با بزهکاری نوجوانان نداشت، در بررسی مفروض چهارم وارد مدل نشد، و تنها نگرش مذهبی بیرونی پدر، به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین وارد مدل شد. در مجموع، ۵۹ نفر در تحلیل وارد شدند و آزمون امینبوس نشان می‌دهد که مدل کامل به طور معناداری پایا است ($X^2=10/262, df=1, p<0/001$). همچنین، نتایج آزمون هاسمر و لموشو بیانگر مناسب بودن مدل می‌باشد ($X^2=9/419, df=8, p<0/308$). این مدل، ۱۶ تا ۲۳/۵ درصد از تغییرات متغیر ملاک (بزهکار و غیربزهکار) را پیش‌بینی می‌کند، با صحت طبقه‌بندی کلی ۷۴/۶ درصد.

جدول ۶. نتایج آماره والد برای متغیرهای وارد شده در مدل

متغیرهای وارد شده در مدل	ضریب بتای غیراستاندارد	آماره والد	درجه آزادی	سطح معناداری	نسبت
نگرش مذهبی بیرونی پدر	-۰/۰۹۱	۷/۶۷۲	۱	۰/۰۰۶	۰/۹۱۳
ثابت	۴/۳۳۷	۱۱/۶۴۹	۱	۰/۰۰۱	۷۶/۴۸۱

نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که ضرایب آماره والد، معنادار است. همچنین جهت ضریب بتا منفی است و شانس نگرش مذهبی بیرونی پدر، برای افراد بزهکار ۰/۹۱۳ می‌باشد. در مجموع، می‌توان گفت: در این مطالعه دو مدل پیش‌بینی‌کننده بزهکاری (متغیر ملاک) مورد بررسی قرار گرفت، سبک‌های فرزندپروری ادراک شده و نگرش مذهبی والدین، به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین وارد تحلیل رگرسیون لجستیک شدند. نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که سبک‌های فرزندپروری ادراک شده نقص/ شرم، تنبیه، خویشتن‌داری/ خود انضباط ناکافی از سوی پدر، به ترتیب (۰/۳۶۴، ۰/۴۲۳، ۰/۵۰۳) بیشترین میزان پیش‌بینی را در بروز بزهکاری دارا بودند. همچنین، سبک فرزندپروری محرومیت هیجانی از سوی مادر، به میزان ۲/۰۱۵ بیشترین میزان پیش‌بینی را دارا بود.

نگرش مذهبی بیرونی پدر، به میزان (۰/۹۱۳) و نگرش مذهبی بیرونی مادر، به میزان (۰/۸۶۷) بیش‌بینی‌کننده بزهکاری در نوجوانان بودند. نگرش مذهبی درونی والدین، قدرت پیش‌بینی بزهکاری در نوجوانان نداشت.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج ارزیابی فرضیه اول نشان می‌دهد که سبک‌های فرزندپروری ادراک شده، رهاشدگی/ بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی/ بدرفتاری، نقص/ شرم، شکست، وابستگی/ بی‌کفایتی، خودتحوّل نیافته/ گرفتار، اطاعت، ایثار، بازداری هیجانی، استحقاق/ بزرگ‌منشی، خویش‌داری/ خودانضباط ناکافی، پذیرش‌جویی/ جلب توجه، منفی‌گرایی/ بدبینی و تنبیه از سوی پدر و همچنین، سبک‌های فرزندپروری ادراک شده محرومیت عاطفی، رهاشدگی/ بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی/ بدرفتاری، نقص/ شرم، شکست، خودتحوّل نیافته/ گرفتار اطاعت، ایثار، استحقاق/ بزرگ‌منشی، خویش‌داری/ خودانضباط ناکافی، منفی‌گرایی/ بدبینی و تنبیه از سوی مادر، با بزهکاری همبستگی مثبت و رابطه مستقیم دارد. این یافته پژوهشی با تحقیقات پیشین از جمله تحقیقات، رضایی و همکاران (۲۰۱۶)، ونگ و همکاران (۲۰۱۶)، جنوررو و همکاران (۲۰۱۶)، نیکولو و همکاران (۲۰۱۶)، ارتیزر و همکاران (۲۰۱۶)، ملو و همکاران (۲۰۱۶)، دسی و همکاران (۲۰۱۵)، کوریکو و همکاران (۲۰۱۵)، یانگ و تمیر (۲۰۱۵)، دشپاند و چابریا (۲۰۱۳)، داتون (۲۰۱۲)، اکسیون و هانگ (Xion & Hang) (۲۰۱۱)، هینکل (Hinkel) (۲۰۱۰)، نریمانی و همکاران (۱۳۹۴)، آزادی و همکاران (۱۳۹۴)، پژوهش عباسی اسفیجر و رحمانی (۱۳۹۴)، اسدنژاد (۱۳۹۳)، یاسمی‌نژاد و علیرضا شکربرگی (۱۳۹۱)، خانجانی و همکاران (۱۳۹۱)، حسینی دولت‌آبادی و همکاران (۱۳۹۲) همسو می‌باشد. دلیل این همسویی را می‌توان به این صورت تبیین کرد: با توجه به ویژگی والدین بزهکاران، می‌توان به فقدان صمیمیت، بی‌تفاوتی، احساس طردشدگی، خشونت شدید و یا عدم وجود مقررات و کنترل از سوی والدین اشاره نمود. سبک‌های فرزندپروری مورد تأیید آزمون این فرضیه، طبق دیدگاه یانگ (۱۹۹۴) وضعیت مشابهی ایجاد می‌کنند. نتایج با نظریه‌های کنترل اجتماعی و دلبستگی، به دلیل عدم تعلق خاطر و تعهد و وابستگی و، عدم احساس ایمنی و گرمی، به دلیل سبک‌های فرزندپروری رهاشدگی/ بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی/ بدرفتاری، نقص/ شرم، تنبیه، منفی‌گرایی/ بدبینی از سوی والدین و محرومیت هیجانی از سوی مادر، همسو است و با نظریه روان‌کاوی فروید به دلیل سبک‌های فرزندپروری استحقاق/ بزرگ‌منشی، خود انضباط ناکافی/ خویش‌داری، خود تحول نیافته/ گرفتار در اثر سهل‌گیری تعادل شخصیت را در اثر جدال میان نهاد و عوامل محیطی - که همان سبک‌های فرزندپروری یاد شده می‌باشد- و همین‌طور جدال میان نهاد و فراخود و عوامل محیطی و عدم رشد فراخود، به مقدار مناسب متزلزل می‌شود.

در نهایت، با توجه به آموزه‌های دینی که قرن‌ها پیش بر پرهیز از افراط در سرزنش و افراط در سهل‌گیری تربیت فرزند تأکید دارند، همسو می‌باشد. نتایج آزمون فرضیه دوم، با نتایج پژوهش‌های قبلی از جمله با نتایج پژوهش‌های دکوک و همکاران (۲۰۱۵)، هامجاج و همکاران (۲۰۱۴)، میلر و همکاران (۲۰۱۳)، ادريس و همکاران (۲۰۱۲)، توریانا و همکاران (۲۰۱۲)، میشل (۲۰۰۹)، آبار (۲۰۰۹)، قره‌گوزلو و همکاران (۱۳۹۴)، اسماعیلی و بهنژاد (۱۳۹۴)،

آرمان مهر و همکاران (۱۳۹۳)، اسدئزاد (۱۳۹۳)، اصغری و همکاران (۱۳۹۲)، گراوند و همکاران (۱۳۹۱)، رستمی (۱۳۹۰)، دیوند و پارسامهر (۱۳۹۰)، شریفی (۱۳۹۰)، صابر اسماعیل لنگرودی (۱۳۹۰) همسو می‌باشد. در تبیین این همسویی می‌توان گفت: انتقال ارزش‌ها و باورهای مذهبی، تنها در صورتی ممکن است که روابط والد-فرزندی، به صورت مناسب برقرار گردد. اگر سبک‌های فرزندپروری ادراک شده از سوی والدین، موجب فاصله و سردی شود، نگرش مذهبی والدین در تربیت دینی فرزندان مفید واقع نمی‌شود. این خلاء زمینه مساعد بروز بزهکاری در فرزندان می‌گردد.

نتایج ارزیابی فرضیه سوم، با نتایج پژوهش‌های، دکوک و همکاران (۲۰۱۵)، هامجاج و همکاران (۲۰۱۴)، میلر و همکاران (۲۰۱۳)، قره‌گوزلو و همکاران (۱۳۹۴)، اسدئزاد (۱۳۹۳)، رستمی (۱۳۹۰)، دیوند و پارسامهر (۱۳۹۰)، شریفی (۱۳۹۰)، صابر اسماعیل لنگرودی (۱۳۹۰) همسو می‌باشد. در تبیین این همسویی، می‌توان نوع سبک فرزندپروری انتخابی والدینی را که نگرش مذهبی بیرونی دارند، دخیل دانست؛ چرا که طبق یافته‌های قره‌گوزلو و همکاران (۱۳۹۴)، رستمی (۱۳۹۰)، دکوک و همکاران (۲۰۱۵) و میلر و همکاران (۲۰۱۳)، والدین با جهت‌گیری نگرش مذهبی درونی، بیشتر از سبک فرزندپروری قاطع و با نگرش مذهبی بیرونی، بیشتر از سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و استبدادی استفاده می‌کنند که پیش‌بینی‌کننده بزهکاری می‌باشند. تبیین دیگر در رابطه با این همسویی این است که چون دینداری نوجوانان چنین خانواده‌هایی ضعیف است زمینه بزهکاری در این افراد مساعد است.

نتایج مفروض اول سبک‌های فرزندپروری، نقص / شرم، تنبیه و خویش‌داری / خود انضباطی ناکافی از سوی پدر، بزهکاری را در نوجوانان پیش‌بینی می‌کنند. از آنجایی که پژوهشی مشابه با این مفروض یافت نشد، تا همخوانی یا ناهمخوانی این پژوهش با پژوهش‌های قبلی بررسی شود، این تحقیق می‌تواند، آغاز مناسبی برای توسعه این مفروض و انجام آن در جامعه آماری و نمونه متفاوت باشد. با توجه به نتایج این پژوهش در زمینه ارتباط سبک‌های فرزندپروری ادراک شده از سوی پدر، با بزهکاری نوجوانان می‌توان، تنها به پژوهش گلوئک‌ها (۱۹۸۲) اشاره کرد که رفتار استبدادی پدر را در بروز بزهکاری پسران مؤثر دانست. طبق الگوهای فرزندپروری یانگ (۱۹۹۴)، با ایجاد سبک‌های فرزندپروری نقص / شرم، فرد احساس بی‌کفایتی می‌کند و نسبت به انتقاد و طرد بسیار حساس بوده و گاهی اوقات، تکانه‌های پرخاشگرانه و جنسی غیرقابل پیش‌بینی دارد. سوء‌مصرف مواد، در چنین شخصی دیده می‌شود. بیشتر دارای خانواده‌هایی تندخو، بی‌عاطفه منزوی و سرد می‌باشند. نیازهای فرد به احساس همدلی، محبت، در میان گذاشتن احساسات و احترام در آن خانواده‌ها ارضاء نشده و افراد برخوردار از چنین سبک تربیتی، با توجه به ویژگی بزهکاران، که احساس طردشدگی و حقارت و ناکامی دارند، همین‌طور ویژگی والدین بزهکاران که اغلب فقدان ارتباط صمیمی و کمبود محبت، احساس طرد- شدگی (پرچم، ۱۳۹۱)، بی‌تفاوتی و سرزنش در آنان

مشهود می‌باشد، بیشتر مستعد بزهکاری می‌باشند. افراد برخوردار از سبک فرزندپروری ادراک شدهٔ تنبیه، از خطای خود و دیگران نمی‌گذرند، رحم و بخشش ندارند، با خود و دیگران به شیوه تنبیه‌گرانه و بی‌رحمانه رفتار می‌کنند. با توجه به خصوصیات بزهکاران، موارد ذکر شده زمینه‌ساز بزهکاری هستند که حاصل پرورش فرزندان در محیط خانوادگی سرد، بی‌عاطفه، ناآمن و انتقادگر می‌باشد. افراد برخوردار از سبک‌های فرزندپروری ادراک شدهٔ خویش‌داری/ خود انضباط ناکافی، نمی‌توانند هیجان‌ها و تکانه‌های خود را به شیوه مناسب تحمل کنند. در به تأخیر انداختن رضایت آنی، برای دستیابی به اهداف بلندمدت آتی، با مشکل مواجه‌اند. از پیامدهای منفی رفتارشان تجربه نیاموخته‌اند که همهٔ موارد از ویژگی افراد بزهکار می‌باشد. چنین رفتاری، در اثر نبود مواجههٔ مناسب و انضباط کافی و مسئولیت‌پذیری در والدین سهل‌گیر به وجود می‌آید. پدرانی که از سبک‌های فرزندپروری فوق در تربیت فرزندان استفاده می‌کنند، راه را به سوی بزهکاری فرزندان خود هموار می‌کنند. یافته فوق، با نظریه دلبستگی به دلیل ایجاد موقعیت‌های نایمن دلبستگی، همسو می‌باشد. با نظریه رشدی شناختی، به دلیل ایجاد تزلزل عاطفی در اثر سبک‌های فرزندپروری ادراک شدهٔ فوق، در سیر تحول رشدی کودک که موجب می‌گردد، فرد از هنجار دور گردد، همسو می‌باشد. با نظریه کنترل اجتماعی، به دلیل عدم وابستگی، عدم تعلق خاطر و تعهد، که در اثر احساس ناآمنی و عدم همدلی و حمایت کافی پدر در پی سبک فرزندپروری ادراک شدهٔ تنبیه و نقص/ شرم ایجاد می‌گردد، و راه را بر بزهکاری هموار می‌کند، همسو است. با نظریه روان‌شناختی، به دلیل عدم رشد فراخود در اثر سبک فرزندپروری ادراک شدهٔ استحقاق/ بزرگ‌منشی، همسو می‌باشد.

با توجه به نتایج این تحقیق، در زمینه پیش‌بینی بزهکاری بر اساس سبک‌های فرزندپروری ادراک شده از سوی مادر، که بر وجود رابطه بین سبک‌های فرزندپروری ادراک شده محرومیت هیجانی از سوی مادر، با بزهکاری نوجوانان تأکید می‌کند، دلیل آن را می‌توان طبق الگوهای فرزندپروری یانگ (۱۹۹۴)، چنین بیان کرد: سبک‌های فرزندپروری ادراک شدهٔ محرومیت هیجانی، موجب می‌شود تا نیاز به حمایت عاطفی، ثبات و امنیت از جانب مادر ارضاء نگردد. چنین افرادی، احساس تنهایی و پوچی می‌کنند. در جریان افراطی بسیار پرتوقع‌اند، وقتی نیازهایشان ارضاء نگردد، عصبانی می‌شوند، از قوانین طبیعی رفتار پیروی نمی‌کنند، همهٔ این موارد زمینه‌ساز بزهکاری هستند. والدین چنین افرادی تندخو، بی‌عاطفه و مضایقه‌گر هستند. مادرانی که از چنین سبک فرزندپروری استفاده می‌کنند، راه را بر بزهکاری فرزندان هموار می‌کنند. از آنجایی که پژوهشی مشابه با این مفروض یافت نشد تا همخوانی یا ناهمخوانی این پژوهش، با پژوهش‌های قبلی بررسی شود. در مقایسه با سایر نظریات می‌توان گفت: یافته فوق با نظریه دلبستگی، به دلیل ایجاد موقعیت‌های نایمن دلبستگی، همسو می‌باشد. با نظریه رشدی شناختی، به دلیل ایجاد تزلزل عاطفی در اثر سبک فرزندپروری ادراک شدهٔ محرومیت هیجانی، در سیر تحول رشدی کودک، که موجب می‌شود فرد از هنجار دور گردد، همسو می‌باشد. با نظریه کنترل اجتماعی، به دلیل عدم وابستگی، عدم تعلق

خاطر و تعهد، که در اثر احساس نأمنی و عدم همدلی و حمایت کافی مادر، در پی سبک فرزندپروری فوق ایجاب می‌گردد، و راه را بر بزهکاری هموار می‌کند، همسو است. یافته دیگر پژوهش، نشان داد که نگرش مذهبی بیرونی با افزایش بزهکاری نوجوانان به میزان ۰/۸۶۷ همراه است. دلیل این همسویی را می‌توان چنین بیان کرد: طبق یافته‌های فوق رابطه‌ای بین مذهبی بودن والدین، و مذهبی شدن فرزندان وجود دارد. مادرانی که از نظر مذهبی ضعیف می‌باشند در چنین فضایی فرزندان تربیت می‌کنند که از بار معنوی کمی برخوردارند، چنین فضایی از نظر ارزش‌های معنوی ضعیف می‌باشد و منبع اثر نخواهد بود تا طبق یافته‌های دکوک و همکاران (۲۰۱۵)، هامجاح و همکاران (۲۰۱۴)، میلر و همکاران (۲۰۱۳)، قره‌گوزلو و همکاران (۱۳۹۴)، اسلنژاد (۱۳۹۳)، رستمی (۱۳۹۰)، دیوند و پارسامهر (۱۳۹۰)، شریفی (۱۳۹۰)، صابر اسماعیل لنگرودی (۱۳۹۰) بتوانند از بروز بزهکاری جلوگیری نماید. این یافته با دیدگاه آلپورت، اریکسون، یونگ، فرانکل، اریک فروم، ویلیام جیمز همسو است. دلیل این همسویی این است که دین در نگرش مذهبی بیرونی، بیشتر ابزاری است برای پیدا کردن موقعیت و مقام و موجب شکوفایی و آرامش خاطر نمی‌گردد، لذا چنین دینی منبع اثر نخواهد شد. در رابطه نگرش مذهبی پدر با بزهکاری نوجوانان، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نگرش مذهبی بیرونی پدر با افزایش بزهکاری نوجوانان ۰/۹۱۳ همراه است. در بررسی پژوهش‌های مربوط به نگرش مذهبی پدر، که جداگانه نگرش مذهبی پدر را مورد ارزیابی قرار داده باشند، صابری لنگرودی (۱۳۹۰)، دیوند و همکاران (۱۳۹۰) همسو است، که بر رابطه مذهبی بودن والدین و در نتیجه مذهبی شدن فرزندان تأکید دارند. در تبیین این همسویی، می‌توان گفت: اگر فرزندان در محیطی بزرگ شوند که نگرش مذهبی بیرونی بر پدر حاکم باشد، آنان بهره‌ای معنوی از چنین فضایی نخواهند برد، تا منبع اثر واقع گشته، و مانعی از ارتکاب به جرم در فرزندان گردد. نتایج پژوهش‌های میشل و همکاران (۲۰۰۹)، آبار (۲۰۰۹)، نشان می‌دهند که بین ارتکاب به بزهکاری نوجوانان و نگرش مذهبی رابطه وجود دارد. هر چه نگرش مذهبی کم‌رنگ‌تر، باشد احتمال بروز آن بیشتر است. این یافته، با دیدگاه‌های آلپورت، اریکسون، یونگ، فرانکل، اریک فروم، ویلیام جیمز همسو می‌باشد، دیدگاه‌های فوق بر این نکته تأکید می‌کنند که نگرش مذهبی بیرونی منبع اثر نیست، تا بر پیشگیری از بزهکاری مفید واقع گردد و از این معضل اجتماعی، خود گام بردارند. با توجه به اینکه هر پژوهشی دارای محدودیت‌هایی است، این تحقیق نیز با توجه به اینکه در محیط امنیتی صورت می‌گرفت. لذا دسترسی به والدین برای سنجش نگرش مذهبی والدین بسیار سخت بود. از این رو، پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های بعدی، از پرسش‌نامه گرنکووست استفاده شود تا سنجش نگرش مذهبی والدین از طریق نوجوانان اندازه‌گیری شود. با توجه به اینکه سرنوشت نوجوانان منوط به سبک فرزندپروری انتخابی والدین می‌باشد، پیشنهاد می‌شود تا پیش از فرزنددار شدن، والدین دوره‌های آموزشی داشته باشند.

منابع

- آرمان‌مهر، وجیهه و همکاران، ۱۳۹۳، «ارتباط دلبستگی به مذهب و باور به قانون با بزهکاری (مطالعه دانش‌آموزان مقطع دبیرستان ساری)»، *مددکاری اجتماعی*، سال سوم، ش ۴، ص ۴۰-۴۷.
- آزادی، شهذخت و همکاران، ۱۳۹۴، «نقش واسطه‌ای سبک‌های دلبستگی در انتقال خشونت از خانواده اصلی به خانواده فعلی در زنان مراجعه‌کننده به مراکز قانونی شهر شیراز»، *زن و جامعه*، سال ششم، ش ۲، ص ۸۵-۹۸.
- ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، *شرح نهج‌البلاغه*، قم، آیت‌الله نجفی.
- ارژنگ، حمید، ۱۳۹۱، *اثربخشی آموزش مهارت خودآگاهی بر کاهش رفتارهای پرخطر نوجوانان شهر کرمانشاه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- اسدی‌نژاد، مرضیه، ۱۳۹۳، *مقایسه نقش خانواده و مدرسه در جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه فیروزآباد فارس*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، یزد، دانشگاه یزد.
- اسماعیلی مهدی، بهزاد فرج، ۱۳۹۴، *بررسی نقش مناسب‌های مذهبی در کاهش جرم و بزهکاری جوانان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت.
- اصغری، فرهاد و همکاران، ۱۳۹۲، «رابطه نگرش مذهبی، منبع کنترل و گرایش به سوءمصرف مواد در دانشجویان»، *اعتیادپژوهی سوءمصرف مواد*، سال هفتم، ش ۲۵، ص ۱۰۳-۱۱۲.
- آقامحمدی، جواد، ۱۳۹۲، «بررسی نقش الگوی تربیتی والدین در تربیت دینی فرزندان»، *تربیت تبلیغی*، سال اول، ش ۲، ص ۱۰۵-۱۲۶.
- پرچم، اعظم، ۱۳۹۱، «مقایسه سبک‌های فرزندپروری با مریند با سبک فرزندپروری مسئولانه در اسلام»، *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، ش ۱۴، ص ۱۱۵-۱۳۸.
- جان‌بزرگی، مسعود و مهدب عباسی، ۱۳۸۹، «رابطه ابعاد جهت‌گیری مذهبی با پایداری هیجانی»، *روان‌شناسی و دین*، سال سوم، ش ۳، ص ۵-۱۸.
- جولزاده اسمعیلی، علی‌اکبر و نسرین داودنیا، ۱۳۹۳، «مقایسه و بررسی نظریه دلبستگی در روان‌کاوی فروید و مراجع - محوروی راجرز»، اولین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روان‌شناسی آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران.
- حسینی دولت‌آبادی، فاطمه و همکاران، ۱۳۹۲، «رابطه بین سبک‌های فرزندپروری، خودکارآمدی و نگرش به بزهکاری در دانش‌آموزان دبیرستانی»، *پژوهش‌نامه حقوق کیفری*، سال چهارم، ش ۲، ص ۶۷-۸۸.
- حیدری رفعت، ابوذر و علی عنایتی نوین‌فر، ۱۳۸۹، «رابطه نگرش دینی و شادکامی در بین دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس»، *روان‌شناسی و دین*، سال سوم، ش ۴، ص ۶۱-۷۲.
- خانجانی، زینب، و همکاران، ۱۳۹۱، «سبک‌های دلبستگی و اختلالات شخصیت: تحلیلی بر نقش نالیمنی دلبستگی بر اختلالات شخصیت خوشه B و C»، *مطالعات روان‌شناسی بالینی*، ش ۷، ص ۹۸-۱۱۶.
- دیوبند، فائزه و مهربان پارسامهر، ۱۳۹۰، «بررسی رابطه بین میزان دینداری والدین با خشونت میان فردی فرزندان پسر دبیرستانی»، *روان‌شناسی و دین*، ش ۱، ص ۷۱-۸۷.
- رستمی، زهرا، ۱۳۹۰، *تأثیر سرمایه اجتماعی خانواده بر گرایش ارزشی فرزندان (با تأکید بر ارزش‌های بردباری اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، صداقت، کمک به دیگران و اعتماد)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه الزهرا.
- رنجبر، علی‌اصغر و امان محمد ابری، ۱۳۹۰، «بررسی مقایسه‌ای علل خانوادگی مؤثر در اعتیاد و بزهکاری نوجوانان در زندان‌های

- استان گلستان»، *روان‌شناسی و علوم تربیتی-اصلاح و تربیت*، ش ۱۱۳، ص ۲۷-۳۰.
- شریفی، فاطمه، ۱۳۹۰، «بررسی رابطه نگرش مذهبی به خودتنظیمی خودمختارانه دانش‌آموزان دختر و پسر»، اولین همایش ملی یافته‌های علوم شناختی در تعلیم و تربیت، مشهد، دانشگاه فردوسی.
- صابر، اسماعیل و صغری لنگرودی، ۱۳۹۰، *نقش خانواده در بزهکاری نوجوانان زیر ۱۸ سال*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، واحد تهران مرکزی.
- صاحبدل، حسن و مسعود اسدی، ۱۳۹۳، «بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی به مادران بر کاهش رفتارهای پرخطر فرزندان»، *پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره*، سال دوم، ش ۳، ص ۵۶-۸۲.
- عباسی اسفنجیر، عباس و علی رحمانی فیروزجاه، ۱۳۹۴، «نقش عملکرد خانواده، دبستگی و حمایت‌های اجتماعی ادراک شده بر بزهکاری در بین نوجوانان شهر قائم»، *مطالعات جامعه‌شناسی جوانان*، سال ششم، ش ۲۰، ص ۱۵۷-۱۷۸.
- غلامی، فازه و همکاران، ۱۳۹۲، «گرایش دانشجویان به رفتارهای پرخطر و ارتباط آن با متغیرهای فردی اجتماعی و بهزیستی روان‌شناختی»، *سلامت و مراقبت*، دوره پانزدهم، ش ۴، ص ۵۰-۵۹.
- فلسفی، محمدتقی، ۱۳۵۲، *کودک از نظر وراثت*، تهران، معارف اسلامی.
- قره‌گولو، نادیا و همکاران، ۱۳۹۴، *نقش تیپ شخصیتی و جهت‌گیری مذهبی والدین در پیش‌بینی سبک‌های فرزندپروری و گرایش نوجوانان به بزهکاری نگرش منفی به بزهکاری*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، وزارت علوم تحقیقات و فناوری، دانشگاه محقق اردبیلی.
- کریمی، عبدالعظیم، ۱۳۸۹، *نکته‌های روان‌شناختی در تربیت دینی فرزندان*، تهران، اقامه نماز.
- گراوند، هوشنگ و همکاران، ۱۳۹۱، «بررسی تطبیقی جهت‌گیری دینی (درونی، بیرونی) با سلامت روان و باورهای غیر منطقی»، *روان‌شناسی و دین*، سال پنجم، ش ۱، ص ۷۹-۱۰۳.
- گلسر، ویلیام، ۲۰۱۲، *واقعیت‌درمانی*، ترجمه علی صاحبی، تهران، سایه سخن.
- منصور، محمود، ۱۳۹۵، *زمینه بررسی بزهکاری کودکان و نوجوانان*، تهران، چهره.
- نایی، هوشنگ و لطفی خاچکی، ۱۳۹۴، «تأثیر روابط و پیوندهای خویشاوندی بر میزان آسیب‌های اجتماعی در استان‌های کشور»، *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، دوره ششم، ش ۱، ص ۱-۲۶.
- نریمانی، محمد و همکاران، ۱۳۹۳، «نقش نگرش مذهبی، بهزیستی معنوی و حمایت اجتماعی در پیش‌بینی رضایت از زندگی مادران کودکان کم‌توان ذهنی»، *اسلام و سلامت*، ش ۳، ص ۴۱-۴۹.
- وولف، دیوید ام، ۱۳۸۶، *روان‌شناسی دین*، ترجمه محمد دهقانی، تهران، رشد.
- یاسمی‌نژاد، پریسا و علیرضا شکر بیگی، ۱۳۹۱، «مقایسه سبک‌های فرزندپروری خانواده، عزت‌نفس و سلامت عمومی نوجوانان پسر بزهکار و عادی در کرمانشاه»، *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ش ۲، ص ۱۷۸-۱۹۲.
- یانگ، جفری و همکاران، ۲۰۰۵، *طرح‌واره درمانی*، ترجمه حسن حمیدپور، تهران، ارجمند.
- Abar, B, et al, 2009, «The effectsof maternal parenting style and religious commitment on self-regulation, achievement, and risk behavior among African American pavochial college Student, *Journal of Adole Science*, n. 32, p. 259-273.
- Bakker, C, et al, 2015, Religious identity development of orthopraxy Muslim adolescents in the Netherlands, *Journal of Muslims in Europe*, v. 4, p. 90-112.
- Church, W. T, et al, 2012, ‘A. Longitudinal Examination Of Delinquency: An Analysis, of Data from theMobile Children and Youth Services Review, v. 34, No. 12.
- Curcio, A, et al, 2015, Why do young people engage in delinquency and problem drinking?,

- Published Australian Psychologist October*, v. 50, issue5, p.311-393.
- Dekock,A., C, et al, 2015, Religious identity development of orthopraxy Muslim adolescents in the Netherlands, *Journal of Muslims in Europe*, v. 4, p. 90-112
- Deshpande, A, & Chhabriya, M, 2013, parenting styles and its effects on Adolescents Self-Esteem, *International Journal of Innovations in Engineering and Technology*, v. 20 (2), p. 163-176.
- Dessie, Y, et al, 2015, Parent-adolescent sexual and reproductive health communication is very limited and associated with adolescent poor behavioral beliefs and subjective norms evidence from a community based Cross-Sectional study in Eastern Ethiopia,published: July13,2015,<http://dx.doi.org/10.1371/Journal.Pone.012998>.
- Dutton, D.G, & White, K. R, 2012, Attachment insecurity and intimate partner violence, *Aggression and Violent Behavior*, 17(15), p. 475-481.
- Guerreo, L, et al, 2016, A Potential protective factor against substance use and other risk behaviors Among Latin Adolescent, *Academic Pediatrics*, v. 16, n. 3, p. 275-281.
- Hamjah, S.H, et al, 2014, The role of the muslim family in dealing with adolescent out-of wedlock pregnancy, *Mediterranean Journal of Social Sciences M C S E R Publishing Rome -Italy*, v. 5, n. 29, p. 101-106.
- Hinkel, h, 2010, "Exploring connections between psychologically controlling parenting &socialaggression: predicting alcohol use, friendships quality: perceived social standing, &loneliness", Athesis submitted to the graduate school in partial fulfillment of the requirement for the degree master of arts department of psychology, northern Illinois university, p. 1-194.
- Idris, F, et al, 2012, Procedia-social and behavioral sciences, v. 59, n. 17, p. 51-60.
- Medlow,S, et al, 2016, A systematic review of community-based parenting interventions for adolescents with challenging behaviours, *Journal of Adolescence*, n. 52, p. 60-71.
- Micheale, M. c, 2009, Religion, self-regulation, and self-control: associations explanations, and implications, *Psychological Bulletin*, v. 1, p. 86.
- Miller, B.A, et al, 2013, Intergenerational transmission of religious beliefs and practices and the reduction of adolescent delinquency in Urban Thailand, *Journal of Adolescence*, v. 36, p. 79-89.
- Nikolav, E. A, et al, 2016, Mental health problems in young children:The role of Mother's Coping and Parenting Styles and characteristics of family functioning, *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, v. 23, n. 17, p. 94-98.
- Ortiz, O.G, et al, 2016, Parenting style and bullying the mediating role of parental psychological aggression and physical punishment. *Child Abuse & Neglect*, v. 51, p. 132-143.
- Rezayi Aval, M, et al, 2016, The effects five dimensions of personality and mental health of parents on parenting style, *International Journal of Humanities and Cultural Studies (IJHCS)* ISSN 2356-5926.
- Silva, J, et al, 2012, The relationship between Portuguese adolescent perception of parenting styles, social support and school behavior, *Psychology*, n. 3, p. 513-517.
- Turiano, N. A, et al, 2012, Personality and Substance use in midlife: conscientiousness as a moderator and the effects of Research in Personality, n. 46, p. 295-305.
- Weng, X, et al, 2016, Juvenile delinquency in Chinese adolescents: An ecological review of the literature, *Journal Aggression and Violent Behavior Available on line*, v. 31, p. 26-36.
- Xiong, Z, & Haung, J, 2011, Predicting Hmong male and female youth delinquent behavior: an

- exploratory study, *Hmong Studies Journal*, n. 12, p. 1-34.
- Yang, Z, & Netemeyer, R, 2015, Differential effects of parenting strategies on child smoking trajectories: Along,tudinal assessment over twelve years, *Jurnal of Business Research*, v. 68, n. 6, p. 1273-1289.
- Yaseminejad P, Farzin Yasemi A, 2012, The relationship between attachment style and locus of control with spiritual well-being in married student university, Proceedings of the forth National Seminar on Mental Health of students, Gilan University.

